



دانشگاه علوم پزشکی خراسان رضوی
هسته گزینش

هسته گزینش دانشگاه علوم پزشکی مشهد

جزوه آموزشی حجاب

واحد مصاحبه و پاسخگویی

فهرست مطالب

پیشگفتار	۴
مختصری از پیشینه حجاب و بی حجابی	۵
حجاب در فرهنگ اسلامی	۸
نگرش اسلام به حجاب چیست؟	۱۰
فلسفه حجاب	۱۳
حجاب در قرآن کریم	۱۴
حجاب در روایات	۱۷
برخی از فواید حجاب	۱۸
علل بی حجابی یا بدحجابی	۲۱
پیامدهای ناگوار بی حجابی یا بدحجابی	۲۲
پوشش کامل برای زن چه پوششی است؟	۲۳
۱. حدود و میزان پوشش	۲۴
۲. کیفیت پوشش	۲۴
۳. رنگ پوشش	۲۵
دلایل برتری چادر مشکی	۲۶
چرا بانوان در نماز باید حجاب داشته باشند؟ مگر خداوند نامحرم است؟	۲۷

نکته آخر ۳۰

پیشگفتار

شکل گیری یک نظام اداری پویا و کارآمد ، مستلزم وجود تشکیلاتی منسجم و قوانین ، ضوابط و آئین نامه هایی الزام آور از یکسو و حضور نیروی انسانی متعهد و متخصص از سوی دیگر است.

در این بین ، منابع انسانی با ارزش ترین و مهم ترین عامل در دستیابی به اهداف سازمان محسوب میشود چرا که نیروی انسانی به مثابه سرمایه ای ارزشمند ، اصلی ترین منبع راهبردی هر سازمان به شمار میرود.

دانشگاه علوم پزشکی نیز با تأکید بر جذب نیروی متعهد و متخصص ، توانمند ، خلاق، سخت کوش و دارای روحیه همکاری و تعاون ، نسبت به گزینش و جذب داوطلبین در حوزه های مختلف اقدام نموده است.

هدف گزینش تلاش برای جذب شایسته ترین افراد برای نیل به اهداف سازمان است. این موضوع به قدری دارای اهمیت بوده است که حضرت امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی در ۱۵ دیماه سال ۱۳۶۱ در فرمان تاریخی خود، روحی تازه در کالبد گزینش کشور دمیدند و پایه گذار این ساختار انقلابی و مقدس شدند.

مقام معظم رهبری(حفظه...) نیز در توصیه های امام گونه خود همواره گزینش را یک فوز عظیم دانسته و به انتخاب عناصر باتقوی ، متعهد و با اخلاص تأکید نموده اند.

با توجه به تأکیدات انجام شده جهت بهبود فرآیند گزینش ، هسته گزینش دانشگاه علوم پزشکی ضمن بهره گیری از جزوات و دستورالعمل های هیأت عالی گزینش نسبت به جمع آوری و تدوین جزواتی اقدام نموده تا ضمن حفظ سادگی و روان بودن مفاهیم و مضامین ، به بخشی از نیازهای داوطلبین در جهت کسب اطلاعاتی هرچند پایه و مقدماتی در زمینه های اعتقادی ، اخلاق ، احکام و ... پاسخ داده شود ولی تأکید می شود مطالب این جزوه به تنهایی کفایت نمی کند امید است داوطلبان با مطالعه ی این جزوه و مراجعه به منابع معتبر دیگر به احکام مورد لزوم دست یابند و مورد استفاده قرار دهند.

مختصری از پیشینه حجاب و بی حجابی

برخی از اندیشمندان ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده اند. پژوهش ها نشان می دهد که زنان ایران از زمان مادها (نخستین ساکنان آریایی ایران) حجابی کامل شامل پیراهن بلند چین دار ، شلوار تا مچ پا، شل و چادری بلند روی این لباس ها داشته اند. این حجاب در دوران سلسله های مختلف دیگر نیز معمول بوده است. در همه این زمان ها زنان چادر به سر داشته و در زیر آن عمامه و در بالای پیشانی فلزی پهن و برجسته و منقوش چون نواری که موهای جلوی سر را پوشانده و به عقب هدایت می کرد. این نحوه پوشش بسیار فراگیر بوده است. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران به گونه ای بوده که گفته شده خشایار شاه به ملکه(وشی) دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید وی امتناع کرد و برای این سرپیچی عنوان ملکه ایران را از دست داد و پادشاه او را از دربار بیرون کرد. حجاب زنان در دوره های تاریخی را می توان به وضوح از تصاویر به جا مانده بر روی تخته سنگ های دوران هخامنشی، تصاویر تخت جمشید، مجسمه های کشف شده، فرش پازیریک پیدا شده در سیبری، نقش برجسته پالیر در موزه لوور، طاق بستان و ...مشاهده نمود.

در گزارشات مورخان به سجایای اخلاقی ایرانیان من جمله شجاعت، پاکدامنی، نجابت و پوشش زنان و مردان اشاره شده است. نجابت مردان پارسی کمی از

زنان آنان نداشته است آنان برهنه بودن و یا باز گذاشتن هر یک از قسمت های بدن را شرم آور یا خلاف ادب می شمردند و به همین جهت سر تا پای ایشان پوشیده بود. در منابع یونانی آمده که در زمان هخامنشیان زنان ایرانی هنگام خروج از خانه درون چادر قرار می گرفتند با این که استفاده از این چادر را ویژه توانگران دانسته اند اما افراد عادی جامعه نیز از مشابه کوچکتر آن استفاده می کردند به تدریج ظاهر آن تغییر کرده و به صورت امروزی درآمد ولی نام چادر همچنان بر آن باقی مانده است.

چادر به صورتی که در میان ایرانیان معمول بوده است، یعنی چادر بلند تا پایین پا، در میان عرب ها رایج نبوده است. پوشش اعراب درع، ملحفه، مقنعه و شلوار بود؛ درع پیراهن بلندی است که تا پشت پا می رسد و آستین هایش بلند و گشاد است، ملحفه همان چادر است که به خود می پیچیدند و مقنعه را به سر می کنند. از روایات، می توان فهمید که زنان و دختران ائمه (علیهم السلام) هر چهار پوشش فوق را داشتند. در آداب نمازگزار آمده است که زن در هنگام نماز، اگر بخواهد حجاب کاملی داشته باشد، باید از مقنعه و درع و ملحفه استفاده کند.

در تفسیر مجمع البیان روایتی به نقل از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده مبنی بر این که حضرت درباره پوشش زنان فرموده اند: زنان در مقابل نامحرم از ۴ پوشش استفاده کنند. (پیراهن یا قصیص، مقنعه، چادر و پوششی وسیع تر از روسری که به روی سینه و شلوار می افتد). از این روایت مشخص می شود که چادر

یکی از پوشش‌هایی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به زنان درباره آن سفارش فرموده‌اند این چادر شامل ملحفه ای است که از سر تا پایین پای زن را می پوشاند. ایشان علاوه بر چادر سه پوشش دیگر شامل: مقنعه، پیراهن و شلوار را هم توصیه کرده‌اند. که هر کرام در جای خود مورد استفاده قرار می گیرد و استفاده از آنها مانع از سر کردن چادر نمی شود.

پوشش زنان در همه تمدن‌ها، بیشتر از مردان بوده است. در تمدن فینیقی‌ها که چهار هزار سال پیش از میلاد می زیسته‌اند، زنان حجاب داشتند و برای پوشش خویش، از پارچه‌های سرخ رنگ استفاده می کردند. در بین یونانیان، رسم بود که زنان حتی صورت‌های خویش را با قسمتی از روپوش بسیار ظریف بپوشانند.

از میان زنان بابل و آشور، تنها آنان که عفیف بودند و شوهر داشتند، دارای حجاب بودند همچنین، زنان اسپارتی محجبه بودند و دختران اسپارتی، پس از شوهر کردن حجاب می گرفتند. نقش‌ها و تصویرهایی که از زنان اسپارتی باقیمانده است، حکایت از این دارد که آنان سر را می پوشانند و صورت را باز می گذاشتند و هنگامی که به کوچه و بازار می رفتند، حجاب داشتند.

تورات و کتاب مقدس هم به حجاب سفارش کرده و عذاب بی حجابی را بیان کرده‌اند. با این حال، موج فساد و برهنگی و بدحجابی در غرب جدید آغاز شد و اندک اندک، به جوامع دیگر سرایت کرد. این فساد و بی بند و باری با رنسانس علمی در اروپا شروع شد و روشنفکران غرب زده آن را به جهان سوم سوغات آوردند. در ایران، شاه عباس کبیر با پذیرفتن برادران شرلی، جرقه

بی بند و باری و بدحجابی را زد و می توان شروع جریان غرب زدگی مستمر را دوران فتحعلی شاه دانست. بعد از این دوره رضا خان در ایران و آتاترک (مصطفی کمال) در ترکیه و امان ا... در افغانستان ، مامور کشف حجاب شدند. اما در این دوران زنان مسلمان ایرانی به هیچ وجه زیر بار این بی عفتی و بی حجابی نرفتند ؛ زنانی که در برابر قانون کشف حجاب ایستادند توسط مأموران شهربانی مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند و بعضاً به همراه شوهران خود به شهربانی احضار می شدند. همچنین به وزارت فرهنگ دستور داده شده بود دانش آموزان و معلمان حق گذاشتن حجاب ندارند ، از این رو بسیاری از دختران ترک تحصیل کرده و خانه نشین شدند. بسیاری از دختران و زنان در آن زمان به اجبار سالها در خانه ماندند تا از حریم عفاف و حجاب محافظت نمایند. قیام مسجد گوهرشاد مشهد نمونه بارز دیگری از مقاومت و ایستادگی زنان و مردان مسلمان ایرانی در برابر قانون کشف حجاب رضاخانی بود و در این واقعه جمع کثیری از مردم مسلمان مشهد به جرم حمایت از دین و حجاب توسط مزدوران رژیم پهلوی به شهادت رسیدند.

حجاب در فرهنگ اسلامی

پوشش زنان را در فرهنگ اسلامی ، (حجاب) گویند .حجاب در لغت به معنای پرده، چادر، روپوش یا روبند یا آنچه که با آن چیزی را بپوشانند یا مانع دو چیز شود ولی در معنای اصطلاحی به معنای پوشش و حفظ فرد از گناه و رعایت حریم در

برابر نامحرم است. در اصطلاح فقها، بعضاً کلمه ستر به معنای پوشش را به جای حجاب استعمال می کنند.

برابر فرموده فقیهان مسلمان ، حجاب از واجبات ، بلکه از ضروریات دین مبین اسلام است که در قران کریم و روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) ، به صراحت بیان شده است. بر این اساس ، هرکس با اسلام اندکی آشنا باشد، در واجب و لازم بودن حجاب در نزد مسلمانان ، تردیدی نخواهد کرد. حجاب به معنای پوشش اسلامی دارای دو بعد ایجابی و سلبی است.

بعد ایجابی: وجوب پوشش بدن در آیات و روایات

بعد سلبی : حرام بودن خودنمایی به نامحرم

این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشند تا حجاب اسلامی محقق شود. دانشمندان علوم مختلف ، با تعبیر گوناگون به تبیین ریشه های حجاب پرداخته اند: برخی دانشمندان زیست شناس به وجود نوعی احساس حیای طبیعی در جنس ماده اشاره کرده اند که می توان آن را منشا طبیعی و غریزی پوشش و حجاب دانست.

برخی از اندیشمندان و مفسران مسلمان ریشه روی آوردن زنان به حجاب و پوشش را فطرت پاک و زیبای الهی و انسانی زن معرفی کرده اند. طبق آیات شریف قرآن و روایات ، حضرت آدم و حوا بعد از خوردن میوه درخت ممنوعه پوشش خود را از دست دادند ، ولی بلافاصله و بدون فرمانی از جانب خداوند

یا تذکری از سوی فرشته وحی یا یادآوری خود آنان به یکدیگر ، با برگ

درختان بهشتی خود را پوشاندند. این رویکرد ، فطری بودن پوشش و اشتیاق

درونی انسان به پوشش را اثبات می کند.

برخی از جامعه شناسان، حجاب و پوشش زن را مقتضای طبیعی جامعه بشری

معرفی کرده اند ، برای نمونه منتسکیو ، جامعه شناس مشهور مغرب زمین ،

می نویسد : " از دست رفتن عفت زنان به قدری تاثیرات بد دارد و به اندازه

ای نواقص و معایب تولید می کند و طوری روح مردم را فاسد می کند که

اگر کشوری دچار آن گردد و این اصل مهم از بین برود ، بدبختی های زیادی

از آن ناشی می گردد." بدون تردید فرهنگ ، آداب و رسوم ، نوع و کیفیت لباس

زنان و مردان در هر جامعه ، نشان دهنده نوع جهان بینی و بیانگر ارزش های

حاکم بر آن جامعه است و مبانی فکری و چگونگی اندیشه افراد آن جامعه را

نشان می دهد.

نگرش اسلام به حجاب چیست؟

به تعبیر دیگر ، چرا در فرهنگ اسلامی حجاب بر زنان واجب شمرده شده

است؟ در پاسخ به این پرسش می توان گفت که بر اساس جهان بینی ادیان

الهی ، انسان خلیفه خداوند و مرکز و محور جهان هستی است و حیات او در جهان

آخرت نیز ادامه دارد. خداوند انسان را بیهوده نیافریده و او را رها نکرده

است. در این دیدگاه رسالت انسان کسب معرفت و بندگی خداوند ، تهذیب

نفس و اصلاح جامعه بشری است. بنا بر این باید جسم زن و چشم مرد پوشیده باشد تا غرایز حیوانی آنان مهار و کنترل شده و استعداد های معنوی و عقلانی آنان در پرتوی رهیافت های فطرت و هدایت وحی، شکوفا شود. در تفکر اسامی، پوشیدن لباس کامل و حجاب جسمانی زن برای آن هست که حریم و کرامت انسانی او حفظ شود تا رشد عقلی و شکوفایی استعداد هایش میسر شده، و قتش صرف خودآرایی نشود.

بر اساس بینش اسلامی، اگر زن از ارزش های والای گوهر وجود خویش آگاه شود و بدین نکته معرفت یابد که خداوند به او محبوبیت ذاتی و مطلوبیت طبیعی بخشیده است و او را منبعی الهام بخش برای زیبایی ها قرار داده است، هرگز خود را نیازمند طلا و نقره و لباس و رنگ نمی بیند تا به وسیله آنها، خود را بیاراید. بر اساس جهان بینی اسلامی، مسئولیت زن خطرتر و بس والاتر از آن است که در برابر مردان بیگانه به آرایش و خودنمایی بپردازد و زیبایی های بدن خود را برای نامحرمان به تماشا بگذارد.

البته خداوند متعال، در کنار حیا و عفت فطری و همراه با گرایش و اشتیاق درونی زنان به حیا و عفاف، به زنان غریزه خود آرای و زیبایی گرایی نیز بخشیده و در وجود آنان، تمایل به آرایش و زینت کردن قرار داده که بر جذابیت های خود برای همسرشان بیفزایند و محیط خانه و خانواده خود را گرمای بیشتری بخشند. به همین دلیل، برابر دستور های اسلامی، آرایش زنان در محیط خانواده و به ویژه برای همسر پاداش معنوی دارد.

آری، برای زنان نیکو و بلکه مستحب است که درون خانه، زیباترین لباس را در بر کرده، خود را برای همسرشان به صورت مناسبی آرایش کنند. چنان که نیکوست زن برای نماز از لباس پاکیزه و زیبا استفاده کند. ولی نشان دادن این زیبایی ها و آرایش برای مردان بیگانه، افزون بر آنکه برای جامعه، فساد انگیز و برای زنان، خطرآفرین است، خداوند نیز آنان را نهی کرده و حرام شمرده است. زنان باید در همه حالات، از نشان دادن آرایش و زیبایی های خودکسی که بخواهد عفت و پاکدامنی پیشه کند باید در وهله اول پوشش مناسب بپوشد که محرک کننده نباشد.

اینکه فردی پاکدامن نباشد و فقط در ظاهر پوشش داشته باشد و یا بالعکس در باطن عفیف و پاکدامن ولی ظاهری که نشان از عفت باشد نداشته باشد هر دو در اشتباهند و در موقعیت های گناه ممکن است منحرف شوند و کامل نیستند

اولی به دلیل اینکه در حقیقت، علم و ایمان به اصل عفاف ندارد و دومی به دلیل اینکه با ظاهر خود نظرها را به سمت خود می کشاند و بالاخره در دام شیطان صفتان می افتد بنابراین بر زنان مومنه شرط است که هم عفیف باشند و هم برای حفظ پاکدامنی پوشش کامل و ساده داشته باشند. با توجه به اینکه تاثیرظاهر بر باطن و تاثیر باطن بر ظاهر یکی از ویژگی های عمومی انسان است بنابراین بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان تاثیر و تاثرمتقابل است بدین ترتیب که هر چه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه باطنی

و درونی عفت تاثیر بیشتری دارد و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می گردد. افرادی ادعای عفاف می کنند و با تعابیری مثل من قلب پاک دارم، خدا با قلب ما کار دارد، خود را سرگرم می کنند این افراد باید این نکته اساسی را بدانند که درون پاک، بیرونی پاک می پروراند و هرگز قلب پاک موجب بارور شدن میوه ناپاک بی حجابی نخواهد شد. امام علی (علیه السلام) می فرماید: " برای هرظاهری باطنی همانندظاهر هست پس هرکه ظاهرش پاک باشد باطنش نیز پاک هست و هر که ظاهرش پلید است باطنش نیز پلید است."

فلسفه حجاب

در فرهنگ اسلامی، واجب شدن هر چیز به سبب مصلحت ها و آثار و فواید دنیوی و اخروی آن است. چنان که حرام ساختن چیزی، به دلیل ضرر و زیان های فردی و اجتماعی آن است. بر این اساس، حجاب مد نظر اسلام، دارای مصالح و فواید و آثار بسیاری است که می توان مجموع آنها را فلسفه حجاب اسلامی دانست. حجاب عامل کمال یافتن شخصیت زن، سبب تعامل و هدایت غرایز، سنگر تهذیب و خود سازی، عامل ایجاد آرامش روانی، تامین کننده امنیت فردی، موجب سلامتی جسمانی، افزایش جذابیت، راه حفظ و تداوم زیبایی زن، عامل استحکام پیوند خانوادگی، استواری جامعه بشری، احیای ارزش های متعالی و راه ایفای رسالت اجتماعی زنان است.

در طرف مقابل، بی حجابی عامل سقوط شخصیت زن، سبب ایجاد بیماری های روانی، اشاعه بیماری های جسمی، فروپاشی نهاد خانواده، کاهش جذابیت و زیبایی زنان، از بین رفتن امنیت فردی آنان و در نتیجه، عامل سقوط جوامع بشری است. اگر انسان ها و بویژه ماسلمانان درباره فواید حجاب خردمندانه بیندیشیم و در زیان های فراوان بی حجابی تامل کنیم، حتی اگر فرمان خداوند و دستور دینی نبود، بدون تردید، رعایت حجاب کامل را بر می گزیدیم و با جدیت بیشتری از بدحجابی دوری می کردیم. چه رسد به آنکه این همه در قرآن و روایات بر رعایت حجاب کامل تاکید شده است.

حجاب در قرآن کریم

در قرآن کریم به طور صریح چند آیه درباره وجوب حجاب و حد و کیفیت آن نازل شده است که ترجمه آنها را ذکر می کنیم.

در آیه 59 سوره مبارکه احزاب، از واژه (جلباب) یاد شده است: ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مومن هستند بگو جلباب های خود را بر خویش فرو افکنند (تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرمات قرار نگیرد) و این (پوشش) به اینکه (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند نزدیک تر است و در نتیجه (از سوی اهل فسق و فجور) مورد آزار قرار نخواهند گرفت و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.

در تفسیر علی بن ابراهیم در شان نزول این آیه چنین آمده است: آن ایام زنان مسلمان به مسجد می رفتند و پشت سر پیامبر نماز می گزاردند، هنگام

شب، موقعی که برای نماز مغرب و عشا می رفتند، بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آن ها می نشستند و با مزاح و سخنان ناروا، آنها را آزار می دادند و مزاحم می شدند. آیه بالا نازل شد و به آنها دستور داد که حجاب را به طور کامل رعایت کنند، تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به اسما می فرمودند: "اسما وقتی زن بالغ شد، شایسته نیست که در برابر نامحرم، جز صورت و دست هایش دیده شود." برخی ادعا می کنند که حجاب به معنای مقابله با برهنگی را قبول دارند ولی می گویند در هیچ جای قرآن سخنی از پوشش مو مطرح نشده است.

نادرستی این سخن، آشکار است زیرا علاوه بر گفتار ابن عباس و شان نزول آیه در روایات متعدد و معتبر از جمله روایاتی از امام رضا(علیه السلام)، بر لزوم پوشاندن موی زن در برابر نامحرم تصریح شده است. این واقعیت تردید ناپذیر است که زنان مسلمان، حتی قبل از نزول این آیه نیز موهای خود را میپوشاندند و فقط آشکار بودن گردن و گوش و زیر گلویشان، مشکل به شمار می آمد.

قرآن چنین فرمان می دهد: "بانوان با مراقبت، جامه شان را بر خود گیرند و آن را رها نکنند تا نشان دهند اهل عفاف و حفظ به شمار می آیند." پوششی مطلوب است که خود به خود (ابهت) ایجاد می کند و ناپاکان را ناامید می سازد. همان طور که مفسران بزرگی مانند شیخ طوسی و علامه طبرسی فرموده اند، در گذشته دو نوع روسری برای زنان معمول بود: روسری های کوچک و روسری های بزرگ که

مخصوص بیرون خانه بود. زنان با این روسری های بزرگ که جلباب خوانده می شد و از مقنعه بزرگ تر و از ردا (عبا) کوچک تر بود و به چادر امروزی شباهت داشت ، مو و تمام بدن خود را می پوشانند.

آیه 31 سوره مبارکه نور می فرماید: " به زنان با ایمان بگو که چشم های خود را پایین بیندازند و دامان خود را از گناه نگاه دارند و روسری های خود را به روی گریبان هایشان بیندازند و زینت های خود را جز آن مقداری که ظاهر است آشکار نسازند، مگر برای شوهر، پدر، پدرشوهر، پسر، پسر همسران، برادر، پسر برادر، پسر خواهر، زنان هم کیش، کنیزان، مردان سفیهی که تمایلی به زنان ندارند، کودکانی که از امور جنسی بی اطلاع اند. پای خود را آنچنان بر زمین نکوبند که زینت ها پنهانشان آشکار شود. و همگی به سوی خداوند توبه کنید، باشد که رستگار شوید. در آیه 31 سوره مبارکه نور، از واژه (خمر) استفاده شده است: "وليضربن بخمرهن علی جیوبهن" (و روسری های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشانده شود).

آیه 32 و بخشی از آیه 33 سوره مبارکه احزاب می فرماید: " ای زنان پیامبر شأن شما همانند دیگر زنان نیست. البته اگر تقوا داشته باشید، پس هرگز با مردان نرم و نازک سخن نگوئید ، تا آن که در دلش بیماری است، به طمع افتد. بلکه نیکو سخن بگوئید و خانه را منزلگاه خویش قرار دهید و هرگز مانند دوره جاهلیت نخستین، آرایش و خود نمایی نکنید."

بر اساس این آیه ، زنان باید به هنگام سخن گفتن با نامحرمان ، مواظب گفته های

خود باشند. متین و استوار و خوب سخن بگویند و از طنازی و ناز و کرشمه کردن در مقابل نامحرمان بپرهیزند.

حجاب در روایات

ضرورت پوشش کامل : روزی اسما دختر ابوبکر که خواهر همسر پیامبر

محسوب می شد، با جامه بدن نما و نازکی به خانه پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

آمد. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) روی خود را از او برگرداندند و فرمودند: "

ای اسما، زن وقتی به حد بلوغ رسید، نباید جایی از بدن و اندامش دیده شود، مگر

صورت و دست ها."

از آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه؛ پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) از

این که زنی خود را برای دیگران بیاراید نهی کرده و فرموده اند: "اگر زنی خود را

برای غیر شوهرش آرایش کرد، لازم است خداوند او را با آتش بسوزاند."

ممنوعیت دست دادن با نامحرم؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

"هر کس با زنی که محرم او نیست، مصافحه کند غضب حق تعالی را برای خود

خریده است."

دوری از شباهت با مردان؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: "خداوند

مردانی که شبیه زنان می شوند و زنانی که شبیه مردان می شوند لعنت کرده است."

امام باقر (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرمودند: "جایز نیست که زن، خود را شبیه مرد کند، زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مردانی که شبیه زنان می شوند و نیز زنانی که خود را شبیه مردان می کنند، لعنت کرده است."

بی حجابی عامل فساد و تباهی؛ امام رضا (علیه السلام) فرمودند: "نگاه به موی زنان

شوهردار و بدون شوهر، حرام است. چون موجب برانگیختن و تحریک مردان

می شود و آنان را به فساد و کارهای حرام می کشاند. همین طور است هر

آنچه شبیه مو باشد و موجب تحریک مردان شود."

عفت ورزیدن، برترین عبادت؛ امام علی (علیه السلام) فرمودند: "برترین عبادت، عفاف ورزیدن است."

برخی از فواید حجاب

۱. حجاب، عامل حفظ و تحکیم بنیان خانواده؛ بی تردید بنیان خانواده یکی

از بنیادهای بسیار مقدس اجتماعی است که بشر تا به حال به خود دیده است.

نقش خانواده در ایجاد جامعه ای سالم، نقشی بی بدیل است و در این میان نقش حجاب و پوشش اسلامی در سلامت و استمرار پیوند خانوادگی انکار ناپذیر

است. درمقابل، برهنگی، سم کشنده ای برای نظم و پیوند موجود خانوادگی

است. آمارهای مستند نشان می دهد با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و از

هم گسیختگی زندگی زناشویی نیز در دنیا همواره افزایش داشته است، زیرا

(هر چه دیده بیند، دل کند یاد) هر آنچه دل در مقوله هوس های سرکش

بخواهد، به هر قیمتی که باشد، به دنبال آن می رود. به این ترتیب، هر روز به

دلبری جدید دل می بندد و با قبلی وداع می کند، اما در محیطی که حجاب

حاکم است و دیگر قوانین اسلامی رعایت می شود، همسران به یکدیگر تعلق

دارند و احساسات و عشق و عطوفتشان مخصوص یکدیگر است. در بازار آزاد

برهنگی، قداست پیمان زناشویی مفهومی ندارد، خانواده ها به سادگی متلاشی

می شود و کودکان بی سرپرست می مانند.

۲. حجاب ، عامل پیشگیری از فحشا و فروپاشی نظم جامعه؛ گسترش

دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع، یکی از پیامدهای دردناک بی حجابی و آزادی های بی حد و حصر جنسی است. این مسئله در جوامع غربی و سایر جوامع مشابه ، کاملاً مشهود است. عامل اصلی فحشا و ازدیاد فرزندان نامشروع ، منحصر به فرهنگ برهنگی و بی حجابی نیست، بلکه یکی از عوامل اصلی و موثر در این روند رو به رشد است. امروزه ، یکی از مشکلات جوامع غربی ، میزان رو به رشد تولد فرزندان نامشروع و بدون شناسنامه است. چنین فرزندانی که پدر و مادرشان مشخص نیست و از نظر حقوقی، مشکلات فراوانی به بار آورده اند، نظم اجتماعی جوامع غربی را تهدید می کنند.

۳. حجاب، عامل جلوگیری از نگاه ابزاری به زن و ابتذال وی؛ یکی از مسائل

مطرح درباره حقوق زنان و بی توجهی به آنان ، نگاه ابزاری به زنان است . هنگامی که جامعه زن را با اندام برهنه بخواهد ، طبیعی است که روز به روز ، تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزون تری از او دارد. در جامعه ای که زن را از طریق جاذبه جنسی اش ، وسیله ای برای تبلیغ کالاها و عاملی برای جلب جهانگردان و ... قرار می دهند، شخصیت زن تا حد عروسک یا کالایی بی ارزش سقوط می کند و ارزش های والای انسانی او به کلی فراموش می شود. به این ترتیب ، زن وسیله ای برای اشباع هوس های سرکش برخی مردان آلوده و فریب کار می شود. عنصر حجاب و پوشش اسلامی ، نه تنها زن را از صحنه اجتماع و فعالیت های اجتماعی دور نمی کند، بلکه زمینه های حضور مستمر و فعال زنان را در عرصه اجتماع ، به همراه حقوق برخورداری از اجتماعی عادلانه تضمین می کند. باید توجه داشت که حیا و عفاف و حجاب زن ، در نقش عاطفی و تاثیرگذاری زن در مرد موثر است. لباس زن موجب تقویت تخیل و عشق در مرد است و نگه داشتن حریم ، یکی از راه های مرموز برای حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد است. در واقع حجاب ، هم موجب محدودیت مردان هرزه ای می شود که درصدد کام جویی های آزاد و بی حد و حصر هستند ، هم موجب مصونیت

زنان از دست این گروه از مردان. استاد مطهری در بیان این که چرا حجاب به زنان اختصاص یافته است، می گوید: " علت اینکه در اسلام ، دستور پوشش اختصاص یافته است ، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی ، مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب ها و دل ها این زن است که به حکم طبیعت خاص خود ، می خواهد دلبری کند و مرد را دل باخته و در دام علاقه خود اسیر سازد. بنابراین، انحراف تیرج و برهنگی، از انحراف های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است."

بنابراین ، رعایت نکردن پوشش اسلامی توسط زنان ، نه تنها از بین رفتن حساسیت مردان را به دنبال ندارد ، بلکه موجب طغیان غریزه جنسی آنان نیز می شود.

۴. حجاب ، باعث نشاط و اعتماد بیشتر؛ احکام الهی بیش از آنکه به محدودیت

لذت ها منجر شوند ، به ماندگاری لذت ها و پایداری نشاط و خوشی ها می انجامند. از این روست که حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: "پوشیدگی زن ، برایش بهتر است و زیبایی اش را پایدارتر می سازد." رعایت حجاب احساسات را سالم نگه می دارد و عاطفه ها و محبت ها را در کانون گرم خانواده ، متمرکز می سازد و نشاط کانون خانواده و اعتماد آنان را به یکدیگر ، افزایش می دهد و زن و مرد را از گرداب بی اعتنایی به همدیگر نجات می دهد.

۵. پوشش ، تحفه الهی ؛ برهنگی ، دام شیطان ؛ بی شک ، بوجود آمدن لباس و

پوشش، به تناسب ویژگی های روحی و جسمی بشر و روی آوردن فطری انسان به آن ، یکی از نعمت ها و هدایای بی بدیل خداوند محسوب می شود. قرآن کریم درباره آفرینش لباس چنین می فرماید: " ای فرزند آدم ، برای شما لباسی فرو فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست و لباس تقوا بهتر است. این ، از آیات خداوند است شاید متذکر شوید."

قرآن کریم برهنگی و کنار گذاشتن لباس را مخالف فطرت بشر و دامی شیطانی معرفی می کند و انسان ها را از فرو افتادن در چنین دامی ، بر حذر می دارد. در سوره اعراف می خوانیم: " ای فرزند آدم ، مبادا شما را شیطان بفریبد ، آن

چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از تنشان بیرون آورد تا عورتشان را به آن ها بنمایاند. همانا شیطان و گروه وابسته به او ، شما را از جایی می بینند که شما آن ها را نمی بینید و ما شیطان را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند."

علل بی حجابی یا بدحجابی

۱. غریزه خودآرایی زنان؛ فطرت و نهاد پاک زن ، به پوشش و حجاب در نزد

بیگانگان گرایش دارد ولی نظام تکوین برای استحکام کانون خانواده، غریزه خودآرایی و جلوه نمایی را در طبیعت زن قرار داده است. استفاده نابجا از غریزه خودآرایی و جلوه نمایی ، باعث شده است برخی از زنان به جای آن که خود را در خانه بپارایند ، در جامعه با وضع نامناسب ظاهر می شوند.

۲. پیشرو جلوه دادن فرهنگ نیمه برهنگی؛ در برابر سخت گیری های

کلیسای قرون وسطی، پس از وقوع رنسانس غرب، دیدگاه های جدیدی مطرح شد که موجب سر باز زدن از احکام سخت گیرانه کلیسا درباره حجاب شد. به سبب آنکه زنان مغرب زمین حجاب را کنار نهاده اند، متأسفانه برخی زنان کشورهای شرقی و اسلامی چنین می پندارند که فرهنگ بدحجابی و نیمه برهنگی ، فرهنگی متجدد و متمدن و پیشرو است. لذا به تقلید از آنها به بدحجابی روی آورده و با وضعی نامناسب در جوامع اسامی ظاهر می شوند.

۳. سود جویی کارخانه داران پس از انقلاب صنعتی؛ برابر شواهد تاریخی ،

پس از انقلاب صنعتی ، در انگلستان پیدا کردن شغل برای مردان دشوار شد. چون از آنان می خواستند که زنان و کودکان خود را به کارخانه بفرستند. به این دلیل که حجاب مانع کار زنان در کارخانه ها بود، کارخانه داران آنها را به بی حجابی تشویق می کردند و به تدریج این امر بین همه زنان گسترش یافت.

۴. ایجاد و توسعه بازار مصرف؛ پس از دستیابی انسان به کارخانه هایی که وسایل مصرفی را به صورت انبوه تولید می کرد، باید بازار مصرف آن نیز ایجاد می شد. بنا بر این بی حجابی و مدگرایی در میان زنان رواج داده شد تا تنوع طلبی مصرفی در میان زنان پدید آید و آنان به عنوان مصرف کنندگان اصلی ، باعث توسعه بازار مصرف شوند.

۵. تهاجم فرهنگی غرب و خودباختگی کشورها؛ فرانتس فانون می نویسد: " که غرب برای تسلط بر کشورهای مسلمان، به این دستور قدیمی عمل کرده است "زن ها را در دست بگیریم ، همه چیز به دنبال آن خواهد آمد." " کشفیات جدید جامعه شناسان ، فقط به آن فرمول قدیمی ، روش خاص علمی بخشیده است.

پیامدهای ناگوار بی حجابی یا بدحجابی

۱. سقوط شخصیت انسانی زن؛ زن با عرضه زیبایی های خود به افراد، از شخصیت انسانی خود می کاهد. زیرا هر چه دستیابی به زن و بهره بردن جسمی از زیبایی های او آسان تر شود، از ابهت و عظمت زن کاسته می شود.

۲. افزایش التهاب و بیماری های روانی؛ با بی حجابی زنان ، بدون شک غرایز شهوانی بیشتر تحریک می شود. پژوهش ها نشان می دهد که تحریک غرایز که ارضای آنها در همه موارد ممکن نیست، موجب ایجاد بیماری های جسمی و روانی می شود. بر این اساس ، بی حجابی موجب افزایش بیماری هاست.

۳. کاهش جذابیت زنان؛ عرضه زیبایی های زن در جامعه ، از جذابیت آنان

می کاهد و در نتیجه اشتیاق لازم به جنس مخالف از میان می رود.

۴. برهم خوردن امنیت زنان؛ در کشور های غربی، آمارها نشان از آن دارد که زنان به دلیل نشان دادن زیبایی اندام خود ، در معرض تعرض و

مزامحت قرار می گیرند. آنان مجبورند که از آژیر یا آموختن دفاع شخصی برای امنیت خود استفاده کنند. جالب است که در زمستان ها که زنان مجبورند خود را بپوشانند ، آمار تعرض ها و تجاوزها کاهش می یابد.

۵. تضعیف ارزش های متعالی؛ وقتی زنان به بی حجابی روی آورند و ملاک ارزش زن ، زیبایی اندام او باشد، به ارزش های متعالی و انسانی زنان توجه نمی شود و آن ارزش ها به تدریج تضعیف و فراموش می شود.

۶. انحطاط اخلاقی و تضعیف معنویت؛ بی شک بی حجابی و تحریک غرایز شهوانی ، به تدریج موجب انحطاط اخلاقی افراد جامعه و تضعیف معنویت و ایمان در آنها می شود.

۷. فروپاشی نظام خانواده؛ وقتی بی حجابی رواج یافت و زنان جوان و زیبا تر ، به خود آرایی و جلوه نمایی پرداختند ، توجه مردان به همسرانشان کمتر شده و نظام خانواده سست می شود و در بسیاری از مواقع به فروپاشی منجر می شود.

۸. رکود فعالیت ها و سستی جامعه بشری؛ بی حجابی، زنان را به آراستن خود مشغول می کند و مردان را به تماشای آنان، در نتیجه فعالیت های مفید اجتماعی کمتر می شود و جامعه از انرژی زن و مرد کمتر بهره می برد.

۹. ترویج فرهنگ مصرف و زیان های اقتصادی ناشی از آن؛ با بی حجابی ، علاقه به داشتن لباس های متنوع و گوناگون بیشتر شده و فرهنگ مصرف ، متداول می شود. کشورها مجبور به صرف هزینه های فراوان در این زمینه هستند که زیان های اقتصادی فراوانی در پی دارد.

پوشش کامل برای زن چه پوششی است؟

۱. پوششی که باعث مصونیت زن در برابر طمع ورزی های هوس بازان شود.

۲. پوششی که باعث پیشگیری از تحریکات شهوانی خارج از ضوابط و هنجارهای الهی و تامین سامت و بهداشت معنوی جامعه گردد. حجاب با این نقش و کارکرد مهم و اساسی، پیامی قاطع با خود دارد و آن این است که در برابر همه مردان اجنبی، نوعی هشدار و اعلام (دور باش می دهد).

عوامل موثر در رساندن این پیام و اثرگذاری آن عبارت است از:

۱. حدود و میزان پوشش

باید دانست حدود پوشش، تمام بدن است جز گردی صورت و انگشتان دست تا مچ و پوشش باید به گونه ای باشد که جلب توجه نکند و نباید نازک، تنگ و کوتاه باشد. نمایان بودن کف و روی پا در برابر نامحرمان جایز نیست،

بنا بر این کسانی که بدون جوراب در برابر نامحرمان ظاهر می شوند کار حرامی انجام می دهند.

بدون شک، هر اندازه بدن زن پوشیده تر باشد، نقش نیرومندتری در دورسازی دیدگان نظاره گر ایفا می کند. اگر نگاه های آلوده را همچنان که در روایات آمده است (تیرهای زهرآلود شیطان)

بدانیم، پوشش زن همانند قوسی است که تیر از آن کمانه می کند و منحرف می شود و از اصابت و نفوذ در هدف باز می ماند. به

عکس، هر اندازه بدن زن برهنه تر باشد، تیرهای شیطانی را بیشتر متوجه خود می سازد و از آن ها آسیب می بیند. از این رو، چادر را حجاب برتر شناخته اند، زیرا با وجود چنین مسائلی، بیشترین پوشش و مطمئن ترین مصونیت را ایجاد می کند.

۲. کیفیت پوشش

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) برای زنان در برابر مردان نامحرم از چهار پوشش نام برده اند: خمار (روسری)، جلباب (چادر)، قمیص (پیراهن)، شلوار.

میزان ضخامت و حتی کیفیت دوخت لباس ، بخش مهمی از حجاب را تشکیل می دهد. بدون شک ، لباس های نازک و تنگ و بدن نما ، فرودگاه پیکان مسموم شیطان و موجب خیره شدن چشم های هرزه و آلوده و به فساد کشاننده جامعه است. در مقابل ، لباس های غیر بدن نما ، دیده ها را از زن دور می سازد و سلامت معنوی او را تامین می کند.

۳. رنگ پوشش

برخی رنگ ها دیده ها را خیره می کند و برخی دیگر ، نگاه ها را از خود می راند و دور می سازد. در عین حال ، عالمان دین در زمینه رنگ ها تاکید چندانی نکرده اند، ولی بر این مسئله پای می فشارند که لباس نباید موجب جلب توجه و عواقب سوء ناشی از آن باشد. اگر کسی با استفاده از رنگ یا ترکیب خاصی از رنگ ها و علامت ها خود را انگشت نمای دیگران کند و به اصطلاح اقدام به پوشیدن لباس شهرت کند دچار عمل حرام شده و باید از آن دوری کند . رعایت شوون اجتماعی اسلام و عرف مذهبی ایجاب می کند که انسان از پوشیدن لباسهای رنگین و سبکی که زننده محسوب می شود اجتناب نماید و برای هرجایی پوشش خاصی داشته باشد. آنچه از پاره ای روایات استفاده می شود این است که بهترین و زیباترین لباس آن است که به سان لباسهایی که میان متدینین متعارف است باشد. گاهی استفاده از لباس یا رنگی مخصوص را برای محیط خانه یا مهمانی مناسب می باشد ولی برای محیط کار و خیابان مناسب نمی باشد.

در طول تاریخ ، زنان مسلمان به میل خود، خارج از خانه و درون جامعه عمومی، لباس مشکی را برای حجاب برگزیده اند . گاهی می گویند لباس مشکی از نظر اسلام مکروه می باشد، حال آنکه هیچ فقیهی به کراهت چادر و عبای مشکی فتوا نداده

است. حتی در خود روایت نیز چادر و کفش مشکی استثنا شده است. به نظر می رسد پوشش کامل، پوششی است که هیچ چشم بیگانه ای را متوجه خود نکند، یعنی لباسی باشد که برجستگی های اندام زن را اصلاً نشان ندهد و اسباب تحریک شهوت مردان را فراهم نکند. زن نیز با آرایش در جامعه ظاهر نشود. به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، چادر با وجود شرایط دیگر کامل ترین پوشش است.

دلایل برتری چادر مشکی

در بین رنگ ها، رنگ های تیره و مشکی در تامين حجاب حداکثری بانوان در بیرون منزل، موثرتر است، رنگ مشکی پوشاننده رنگ های دیگر است و زیر آن، هر لباس رنگی دیگری را که باشد، می پوشاند. ضرب المثل معروف (بالا تر از سیاهی رنگی نیست) اشاره به این واقعیت دارد که رنگ سیاه، رنگی است که تمام رنگ های دیگر در مقابل آن رنگ می بازد.

در روان شناسی رنگ ها چنین آمده است: سیاه به معنی (نه) است. رنگ مشکی در کاهش تحریک های روحی و روانی موثر است. از آنجا که مشکی رنگی صامت و غیر محرک است واکنش مهمی در بیننده ایجاد نمی کند، از جمله بهترین ابزارهای کاهش واکنش های روانی است و نه تنها جلب توجه دیگران را موجب نمی شود، بلکه به عدم توجه کمک می کند.

به همین دلیل، در هنگام برخورد با جنس مخالف و نامحرم، استفاده از چادر مشکی در کاهش حالات و امیال جنسی موثر است.

خداوند در سوره نور، ضمن آموزش حدود مراقبت های اولیه در شیوه رویارویی با غیرمحارم، در آخر آیه خطاب به زنان می فرماید: "نباید زنان پای خود را چنان به زمین بکوبند که صدای زینت آلاتشان شنیده شود." و بنابراین می توان گفت که چون لباس های رنگارنگ، سبب جلب توجه

نامحرم و تحریک جنسی می شوند ، مطلوب نمی باشد ، اما از آنجا که حجاب و چادر مشکی باعث جلب توجه نمی شود ، رنگی مطلوب است . معمولا بانوانی که اعتقاد راسخ به لزوم پوشیدگی بیشتر در برخورد با نامحرم دارند ، چادر مشکی را می پسندند زیرا این رنگ ، بدن را بیشتر و بهتر می پوشاند.

در برخی از کتاب های مربوط به روان شناسی رنگ ها چنین آمده است: رنگ سیاه دلیل بر وقار و سنگینی و شیک پوشی است . همچنین رنگ مشکی نمایانگر اقتدار است.

خصوصیت رنگ مشکی آن است که باعث هیبت و ابهت بیشتری می شود و به دلیل همین خصوصیت بیشتر حاکمان و بزرگان برای اظهار شکوه و جبروت خویش ، از لباس های مشکی استفاده می کنند . به نظر می رسد که انتخاب رنگ مشکی برای عمامه سادات و فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز به اعتبار ویژگی و هیبت معنوی است. استفاده بانوان از حجاب و چادر مشکی ، نوعی والایی و هیبت معنوی برای آنان به وجود می آورد و سبب می شود که مردان نامحرم ، در برخورد با آنان ، حریم گیرند.

چرا بانوان در نماز باید حجاب داشته باشند؟ مگر خداوند نامحرم است؟

از آنجا که در این پرسش ، مسئله نماز مطرح است اساس بسیاری از احکام نماز و سایر عبادت ها فراخوان بشر به تعبد و اظهار بندگی در برابر پروردگار است ، فقط در حد فهم خود می توانیم پاسخ دهیم . دستیابی به علت و فلسفه احکام عبادی بسیار مشکل است و همه آن ها حکمت و علت خاصی دارد. از این رو پی بردن به همه آن اسرار برای ما میسر نیست. به هر حال ، حجاب و پوشش بانوان در نماز ، علت ها و فلسفه های متعددی دارد از جمله:

۱. این کار نوعی تمرین مستمر و روزانه ، برای حفظ حجاب بوده و یکی از عواملی است که در پاسداشت دائمی پوشش اسلامی زن و

جلوگیری از آسیب پذیری آن ، نقش مهمی ایفا می کند. همان گونه که هر عبادتی مانند نماز ، تعلیم و تمرین یاد خداوند سبحان و بازگشت به سوی او در آخرت و تزکیه و تربیت خود برای زندگی ابدی است ، حجاب زن در نماز نیز آموزش و تمرین و تذکر پوشش عقیقانه اوست. همان پوشش به غیر نماز نیز باید در برابر نامحرم رعایت شود. نماز آموزشگاه معارف و نیازهای بسیار مهم و حیاتی انسان و پرورشگاه ایمان و تقوا و اخلاق انسانی و الهی ، به ویژه عفاف و حجاب است. خداوند حکیم تمام معارف و قوانین مهم و ریشه ای و مسائلی که حیات معنوی و اخلاقی و سعادت دنیوی و اخروی انسان و جامعه را تامین می کند، به طور اجمالی و کلی، در نماز مقرر کرده است.

۲. داشتن پوشش کامل در پیشگاه خداوند، نوعی ادب و احترام به ساحت قدس ربوبی است. از این رو ، برای مرد نیز ستر عورت واجب است و بر تن داشتن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب. همین ادب حضور در پیشگاه الهی، زمینه ساز حضور معنوی و باریافتن به محضر حق می شود. رعایت این ادب برای زنان اهمیت بیشتری دارد، زیرا به طور معمول ، آنگاه که زنان در برابر بزرگی قرار می گیرند ، در ابتدا، وقار و حجاب خود را حفظ می کنند و البته حکم پوشش در نماز با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت هایی دارد ، مثلاً پوشاندن روی پا در برابر نامحرم، واجب است ، ولی در نماز، بدون حضور نامحرم ، واجب نیست.

۳. زن مظهر حیا و عفاف و حیا نیز جلوه گاه حریم است و والاتر از حریم خدا، حریمی وجود ندارد. پس باید در برابر عظمت کبریایی اش با حیا و با عفت باشیم تا حد بندگی خود را نشان دهیم. هر چند رعایت عفت و حیا برای مردان نیز لازم است ، برای زنان ضرورت محوری دارد. اصولاً زنان مظهر زیبایی و لطافت و ظرافت در خلقت

هستند. آنان مرواریدهای گران بها و زیبا هستند که خداوند ، به سبب هنرنمایی خود ، آنان را خلق کرده و هیچ گاه نمی خواهد از ارزش آن ها کاسته شود. این مخلوق و گوهر ارزشمند هرچه پرده نشین و دارای ناز و کناره گیر از ابزارهای عمومی باشد ، بر قدر و منزلتش افزوده می شود .به همین دلیل ، خدای سبحان تمام بدن او را واجب الستر دانسته و در هر حال ، احترامش را واجب شمرده است. حتی وقتی خداوند می خواهد از خصوصیات و اهمیت و ارزش حوری های بهشتی بگوید و از آن ها دتعریف کند می فرماید : " حور مقصورات فی الخیام " (حوریانی پرده نشین در دل خیمه ها)، یعنی ارزش آن ها به این است که اختصاصی و پرده نشین هستند. و در دسترس عموم قرار ندارند. در این حال اسلام برای مردان نیز پوششی در حد معقول قرار داده است و آنان آزادی بی حد و حصری در پوشش ندارند. افزون بر این ، اسلام آنان را بر حفظ نگاه از نامحرم و کنترل شهوت در نگاه تکلیف کرده است. کنترل نگاه برای مردان ، در مقایسه با زنان ، سخت تر است. برای توضیح بیشتر ، ذکر دو نکته ضروری است:

۱. بسیاری از فقها فرموده اند که زن نباید به بدن لخت نامحرم ، به جز سر و صورت و گردن نگاه کند. این حکم دلیل قطعی دارد که در جای خود بیان شده است.
۲. ممکن است نگاه زن به بدن نامحرم حرام باشد ، ولی پوشش آن برای مرد واجب نباشد .همان گونه که نگاه مرد به صورت و دست های زن از روی شهوت حرام است، ولی پوشش آن برای زن واجب نیست.

نکته آخر

مسئله حفظ پوشش و ایجاد مزاحمت نکردن برای بانوان فقط توصیه اخلاقی نیست، بلکه حکمی اسلامی و حکومتی به شمار می آید. خداوند در ادامه آیه حجاب در سوره احزاب می فرماید: "اگر منافقان و بیمارزدان و کسانی که در شهر نگرانی به وجود می آورند، از کارهای خود دست برندارند، ما تو را ضد آنان خواهیم برانگیخت و تو را بر آنان سخت مسلط می کنیم تا جز مدتی اندک، در همسایگی تو زندگی نکنند." در نتیجه، همان گونه که امر به همه معروف ها و نهی از همه منکرها، بر مومنان و بر حکومت اسلامی واجب است، درباره مسئله حجاب نیز قاعده کلی و شرعی جاری است و جایز نیست هیچ کس در مقابل آن بی اعتنا باشد یا آن را کوچک و بی اهمیت شمارد.

زنان باید توجه داشته باشند که خداوند بر احکام خویش غیرت دارد و هیچ گاه به ترک دستورهای خود راضی نمی شود. اصلاً مسئله این نیست که بیرون گذاشتن چند تار مو چه اهمیتی برای خداوند دارد؛ مهم این است که نافرمانی چه خدای بزرگی انجام می شود، علاوه بر این که فواید اجرای دستورهای خداوند به خود انسان و جامعه انسانی می رسد. به روشنی می توان نتیجه گرفت آنچه خداوند حلال کرده است، خوبی و خوشی را برای مردان و زنان جامعه ما به ارمغان خواهد آورد و آنچه حرام کرده است، در کوتاه مدت یا بلند مدت، سلامتی و آرامش آدمی را به خطر خواهد انداخت و پشیمانی و پریشانی در پی خواهد داشت.

منابع دیگر جهت مطالعه بیشتر:

-مسأله حجاب، شهید مطهری

-زیور عفاف، ستار هدایت خواه